



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۶/۲۳

قاسم باز

مصاحبه جالب استاد محمد عزیز نعیم

حمید عبیدی بعد از حادثه ۱۱ سپتمبر سال ۲۰۰۱، یعنی پیش از سقوط حکومت طالبان با جناب مرحوم سردار محمد عزیز نعیم مصاحبه جالب انجام داده، این مصاحبه که قبلاً نیز در مجله اسمایی به نشر سپرده شده بود، ده سال قبل جناب آقای حمید عبیدی این مصاحبه فوق العاده علمی را برای بار دیگر در صفحه انترنیتی اسمایی خود به نشر سپرد. اینک بخاطر دلچسپ بودن آن، عرض آگاهی بیشتر هموطنان برای بار دیگر به نشر می سپارم، امید وارم مورد پسند خوانندگان قرار گیرد.

=====
اینک به مناسبت دهمین سالروز فاجعه ۱۱ سپتامبر مطالبی را که در رابطه به نتایج و پیامد های این حادثه برای افغانستان و وظایف ملی افغان ها در این مرحله در مجله اسمایی منتشر کرده بودیم، دوباره در صفحه انترنیتی اسمایی هم منتشر می سازیم.

گفته های روشنفکران افغان بلافاصله پس از ۱۱ سپتامبر

برگرفته از شماره ۲۰ مورخ نوامبر ۲۰۰۱

دیدگاه های شماری از روشنفکران افغان پس از ۱۱ سپتامبر در مورد نتایج و پیامد های این حادثه برای افغانستان و وظایف ملی افغان ها: شادروان استاد محمد عزیز نعیم!

مصاحبه با استاد محمد عزیز نعیم:

حمید عبیدی: انکشافات و گرایش های سیاسی که در سطح جهانی پس از حوادث ۱۱ سپتمبر در حال شکل گیری و تبارز اند، برای افغانستان چه اثرات کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت خواهند داشت؟

عزیز نعیم:

۱- بدون شك حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شکل گیری وقایع و عکس العمل های زنجیری را باعث شد، که افغانستان در نتیجه آن منحصیث مرکز ثقل سیاست جهانی قرار گرفته است - افغانستان که از مدت ۲۳ سال اخیر با حوادث ناگوار پنجه نرم کرده و از يك مصیبت به مصیبت دیگری غوطه ور گردیده است.

هرچند که حوادث ناشی از ۱۱ سپتامبر غیرمترقبه بودند، اما چیزفهمان ما و آنانی که امروز ملت افغانستان بر آنان حساب می کند، باید پیشبین همچو واقعه و واقعات مشابه آن می بودند و آماده گی می داشتند.

۲- طالبان اگر برای افغانستان دلسوز می بودند، نخست باید کشور خویش را به دسترس دهشت افگنان و جنگجویان اجنبی قرار نمی دادند، به خصوص که افغانستان بعد از این همه مصیبت ها به صلح، آرامش و حسن نیت بین المللی برای اعمار مجددش نیاز داشت. طالبان همچنان می توانستند با رعایت حقوق بشر زمینه رفاه و خوشبختی مردم افغانستان را فراهم سازند و معارف را برای مرد و زن عام گردانند و شرایطی را مساعد نمایند که ملت راجع به سرنوشت آینده اش تصمیم بگیرد. برعکس، اینان رژیم را پیاده کردند که شباهت به ماقبل قرن هفتم میلادی میرساند!

۳- "جبهه متحد" - این فرزند آنچه که به نام دولت اسلامی یاد می گردید - پیش از این که تشکیل شود و هنگامی که "دولت اسلامی" صرف به نام بر قسمت اعظم خاک افغانستان حاکمیت داشت، به جای شورا های قلابی "حل و عقد" و "هرات" برای بقای خویش، باید به اساس تقسیم اوقات قبلاً تعیین شده، بعد از مدت چهار ماه می گذاشت که حکومت موقت زمینه را برای سازماندهی آینده افغانستان مساعد سازد. بر علاوه، منسوبین "دولت اسلامی" حتی الامکان کوشیدند تا اختلافات نژادی، قومی، زبانی و مذهبی را دامن زنند. اینان، همچنان نتوانستند که حاکمیت سرتاسری را نه تنها در افغانستان تأمین کنند، بلکه پایتخت نیز در نتیجه به

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

چندین حوزه بین تنظیم های رقیب تقسیم گردید. ظهور طالبان در حقیقت عکس العمل در برابر همچو بی سر و سامانی بود!

۴- چیز فهمان ما و آنانی که امروز ملت افغانستان بر آنان حساب می کنند ، به جای سنجش و آماده گی دراز مدت برای آینده کشور ما ، به خاطر دفع الوقت دست به چاره های عمدتاً کوتاه مدت زدند - چاره هایی که قبل از پیاده شدن به ساحه عمل ، شرایط زمانی آن سپری می گردید و مجال تطبیق نمی یافتند . تا هنوز هم چنان که ملاحظه می شود ، اینان نتوانسته اند پلتفورم خود را تعیین کنند و نصب العین و طرز العمل آن را به راه اندازند. با این بررسی با کمال تأسف باید گفت که در نتیجه واقعات اخیر در کوتاه مدت ، میان مدت و دراز مدت ، افغانستان عزیز ما شاهد بحران های دوامدار و خلای قدرت مرکزی خواهد بود و کشور ما را در مصیبت های مزید غوطه ور خواهد ساخت!

ولی ، با ایمان خلل ناپذیر به این واقعیت تاریخ که افغانستان هرگز نمی میرد ، هرچند که وقتاً فوقتاً در خریطه دنیا از نظر پنهان می شود ، یقیناً در آینده فرزندان در کشور ما ظهور خواهند کرد که مانند میرویس نیکه و احمدشاه بابا، باز افغانستان را زنده خواهند ساخت . نمیدانم همچو آینده نصیب نسل ما خواهد بود یا خیر؟

حمید عبیدی:

در این شرایط نوین افغان ها و به درجه اول نیروها و عناصر آگاه و دارای احساس مسؤولیت ، در قبال وطن و سرنوشت ملی شان چه وظایفی دارند و چه باید بکنند ؟

عزیز نعیم:

چنان که در مصاحبه قبلی نیز به عرض رسانیده بودم ، باز هم می گویم که عناصر آگاه و دارای احساس مسؤولیت اولتر از هر چیز باید همدست و هم آواز باشند و با یکدیگر از راه راستی پیش آیند ، نه از طریق فریب و نیرنگ ، بر کورت ها مرهم گذارند و آنچه را که به زبان می گویند به دل هم باور داشته باشند ، آنوقت است که اینان می توانند جامعه بین المللی را متوجه منافع ملی افغانستان سازند. تحقق این پدیده ، بدون شك متناسب به درجه آماده گی برای همدست شدن و هم آواز گردیدن در این راه می باشد!

حمید عبیدی:

در صورت سرنگونی رژیم طالبان ، چه نوع حکومتی ، با کدام ترکیب و مشخصات و به کدام صورت باید در افغانستان روی کار بیاید که بتواند وظیفه حیاتی عبور از جنگ و ویرانی به صلح و آبادانی و از استبداد به مردم سالاری را تأمین کند و در این میان به نظر شما حلقهات ، سازمان ها و احزاب دموکرات و روشنفکران چه نقشی ایفا کرده می توانند و یا باید ایفا بکنند؟

عزیز نعیم:

در صورت سرنگونی رژیم طالبان ، يك دولت نیرومند مرکزی که منافع همه اقوام ، همه نژاد ها ، همه زبان ها و همه مذاهب مردم افغانستان را در نظر داشته باشد ، کمال مطلوب است. مرحله آماده گی برای پدیداری همچو دولت ، که متأسفانه هنوز علایمی از آن به مشاهده نمی رسد ، شاید کشور ما را در حال بی ثباتی و بحران درآورد. نظام فدرالی ، که در این اواخر در بعضی حلقه ها زمزمه می گردد ، قدم اول برای تجزیه افغانستان خواهد بود. اگر نظام فدرالی به اساس اعتبار نژادی ، قومی ، زبانی و مذهبی در افغانستان پیاده شود ، آن وقت نه تنها باید افغانستان را فدرال ساخت ، بلکه هر ولایت ، هر شهر ، هر قریه و هر دهکده را باید " فدرال " نمود!

جامعه افغانی چنان از نگاه نژادی ، زبانی و غیره با هم بافت محکم خورده است که جدا ساختن آن از همدگر شاید بی ثباتی های مزید را باعث گردد.

هنوز پاسخ به پرسش های شما در حال تسوید بود که خبر تجاوز امریکا بر افغانستان چون بمب منفجر شد . هرچند که امریکا و متحدینش این عمل شان را " عادلانه " وانمود می کنند ؛ اما ، مدارکی را که بر آن متکی اند ، حتی به گفته خود شان در محکمه قابل رویت نیست . این تجاوز برهنه علاوه بر این که کشور ما را بیشتر بی ثبات خواهد ساخت ، در نهایت مردم افغانستان و مسلمانان جهان را نیز در صف مخالفان امریکا قرار خواهد داد و حکومت های معتدل و متمایل به غرب را در شرق میانه بی ثبات خواهد ساخت و بنیادگرایی را تقویه خواهد نمود.



از راست بطرف چپ : ۱- قاسم باز، ۲- سردار محمد عزیز نعیم، ۳- دگر جنرال محمد گل اریوبوال، معاون
جهادی وزارت دفاع ملی زمان ربانی. ماه دسمبر سال ۱۹۸۹ هتل انترکانتنینتال پیشاور- پاکستان.